

## مفهوم «احساس» در آثار نخستین شلایرماخر<sup>۱</sup>

بابک برومندفر

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

شهرام پازوکی

استاد مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران

سید مسعود زمانی<sup>۲</sup>

استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران

فاطمه لاجوردی

استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

در نظام الاهیاتی شلایرماخر، مفهوم احساس جایگاه مهمی دارد و شالوده تجربه دینی در نگاه او مبتنی بر آن است. سؤال پژوهشی مقاله حاضر، درباره مفهوم احساس (Gefühl) از نگاه شلایرماخر با توجه به آثار او تا سال ۱۷۹۲ میلادی است. شلایرماخر در زمانه‌ای زیسته که مواجهه فیلسوفان با مسائل مابعدالطبیعه و الاهیات، نسبت به دوران باستان و قرون وسطی تفاوت‌های چشمگیری یافته است. هرچند موضوعات اصلی فلسفه هم‌چون خدا، نفس و جاودانگی آن، محوریت خود را از دست نداده بودند، اما فیلسوفان از افقی دیگر به آن‌ها می‌نگریستند و این سبب انقلابی در نظام‌های الاهیات مدرسی شد. شلایرماخر از یک سو در ردای کشیش مسیحی پا به میدان می‌نهد که متأثر از جریان فلسفه کانتی و اندیشه‌های اوست؛ از سوی دیگر او به دنبال تعریفی دوباره از دین با توجه به مفهوم احساس است تا بتواند دین را از فروکاست به اخلاق کانتی برهاند. او در رساله‌های نخستین

۱. تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۷

۲. پست الکترونیک (نویسنده مسوول): Seyedmasoudz@yahoo.de

خویش با تأثیر گرفتن از ارسطو و فیلسوفان یونانی و جریان فلسفه استعلایی کانت، حول مفهوم احساس می‌کوشد دینداری و الاهیات مسیحی را از سیطره اندیشه‌های کانت و عقل‌گرایی دوره روشنگری نجات دهد؛ در این مقاله می‌کوشیم با تأکید بر آثار اولیه شلایرماخر تا سال ۱۷۹۲ سیر تحولات مفهوم احساس را بررسی کنیم.

### کلیدواژه‌ها

شلایرماخر، احساس، ارسطو، خیر اعلی، کانت.

### مقدمه

دین در گستره تاریخ، مورد پرسش‌های بیشماری قرار گرفته است؛ در دوره مدرن، اندیشه مدرنیته نه تنها زمینه‌ساز پرسشگری در مواجهه با عالم طبیعت بوده، بلکه در مواجهه با دین و مباحث مابعدالطبیعه‌ای نیز زمینه‌ساز پرسش‌هایی شده است که می‌توان آن‌ها را در جهت تکوین اندیشه مدرن موثر به شمار آورد. این پرسش‌ها زمینه‌ساز بروز نظام‌های الیهاتی متفاوتی در دوران پیشامدرن شده‌اند. شلایرماخر به عنوان پدر الیهات مدرن در ردای یک روحانی مسیحی، در چنین دورانی به اندیشه‌ورزی، سخنوری و نگارش همت گماشته است. او از یک سو، متأثر از جریان کانتی و ولفیانی<sup>۱</sup> است و از سوی دیگر با ترجمه آثار افلاطون و تأثیری که از دیالکتیک او گرفته است و تعمق در فلسفه اخلاق ارسطو، خوانشی جدید از کتاب مقدس مسیحی و الیهات مسیحی به ظهور می‌رساند. اما محور اندیشه‌های الیهات او مفهوم *Gefühl* است که شاید با مسامحه بتوان بهترین ترجمه در زبان فارسی برای این اصطلاح را «احساس» نامید.<sup>۲</sup>

در اندیشه شلایرماخر با توجه به آثار او، مفهوم احساس، اصطلاحی است که می‌توان

#### 1. Christian Wolff

۲. هرچند انتخاب واژگانی همچون حال یا احوال و یا ذوق برای این مفهوم مناسب‌تر به نظر می‌آید؛ اما به سبب بار مفهومی واژه احساس که متضمن اندیشه سوپزکتیویته می‌باشد و در تفکر مدرن رشد کرده است، استفاده از اصطلاحات مذکور که ریشه در سنت صوفیانه و عرفان اسلامی دارد و دارای بار معنایی و هستی-شناختی متفاوتی است، مناسب به نظر نیامد. همچنین گفتنی است که مفهوم احساس با حس و ادراک حسی متفاوت است.

تفسیرهای مختلفی از آن داشت. تجربه دینی از نگاه شلایرماخر بر مبنای احساس وابستگی بدون واسطه به امر مطلق شکل می‌گیرد و باورساز است. اصطلاح «احساس» نقشی حیاتی و مهمی را در تمامی نظام‌های الهیاتی شلایرماخر ایفا می‌کند و گواهِ این موضوع، شدت مباحثاتی است که در خصوص این اصطلاح شکل گرفته است. اصطلاحات کمتری را در اثر بزرگ شلایرماخر تحت عنوان *ایمان مسیحی*<sup>۱</sup> و *درباره دین*<sup>۲</sup> شاهدیم که دارای چنین نقش محوری و مهمی در اندیشه و تجربه دینی او از خداوند باشند، در این اثر است که به صورت‌بندی نهایی خویش از *Gefühl* به مثابه «احساس وابستگی تام (مطلق)»<sup>۳</sup> دست می‌یابد. بسیاری از پژوهشگران بر سیر مفهوم اصطلاح *Gefühl* در آثار فلسفی او به‌ویژه مقدمه کتاب *ایمان مسیحی* و مقایسه آن با سه ویرایش مختلف *درباره دین* (۱۷۹۹، ۱۸۰۶، ۱۸۲۱) پرداخته‌اند که در دوره پس از سال‌های ۱۷۹۹ رخ داده است.<sup>(۱)</sup>

تحولات اصطلاح *Gefühl* در آثار شلایرماخر و در اندیشه الهیاتی - فلسفی او را می‌توان در یک تقسیم‌بندی تاریخی تا سال ۱۷۹۲ بررسی کرد. بررسی مفهوم *Gefühl* تا سال ۱۷۹۲ ما را به سوی مولفه‌هایی تاثیرگذار بر این تحول سوق می‌دهند. مجموعه‌ای از فرضیات که می‌توان آن‌ها را در نظامی پیچیده از جریانات فلسفی و الهیاتی، به‌ویژه در قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی و در آلمان دوره یانه جستجو کرد. هدف این مقاله بررسی تحولات اندیشه‌ای شلایرماخر تا سال ۱۷۹۲ میلادی است. هرچند دوره‌های تاریخی دیگر هم چون: سال‌های ۱۷۹۴، ۱۷۹۹ و ۱۸۲۶ میلادی نیز نیاز به مقالات جداگانه‌ای دارند.

1. Schleiermacher, Friedrich, *Christian Faith*, Bloomsbury T&T Clark, UK, 2016.

2. Schleiermacher, Friedrich, *On Religion: Speeches to Its Cultured Despisers*, trans & ed. 7 introduction by Richard Crouter, Cambridge University Press, Second Edition 1996, Fourteenth printing 2010.

3. feeling of absolute divine

۴. برای اطلاعات بیشتر از کتاب‌شناختی آثار شلایرماخر بنگرید به پی‌نوشت ۱.

5. Jena

### ۱. ۱. سیر مطالعاتی شلایرماخر در دانشگاه هاله<sup>۱</sup>

شلایرماخر در بیست سالگی هنگامی که در دانشگاه هاله تحصیل می‌کرد دلبستگی زیادی به مطالعه آثار فیلسوفان داشت و با دین زمانه خودش در تعارض و جدل بود. او در ابتدا آثار فیلسوفان یونان را مطالعه کرد و در زمینه مفهوم احساس، تأثیر عمیقی پذیرفت. اولین کاربردهای این اصطلاح را در ترجمه‌ها و شروحی می‌توان یافت که وی بر آثار یونانیان و بخصوص اخلاق ارسطو نگاشته است. سپس با جریان‌های عقلی دوران خویش آشنا شد. در مجموعه‌ای از مقالات که در سال‌های ۱۷۸۸ تا ۱۷۹۴ منتشر کرد، او دو جریان بسیار مهم عقلی را که سبب تحولات قرن هجدهمی در آلمان شده بود و در مطالعات دین آثاری برجای گذاشت، درک کرد:<sup>۲</sup>

- انتشار نقدهای سه‌گانه کانت (۱۷۸۱، ۱۷۸۸، ۱۷۹۰): نقدهای سه‌گانه کانت بر اندیشه‌های الاهیاتی شلایرماخر و مفهوم احساس در سیر تاریخی نظام فکری او نقش مهمی را ایفا می‌کنند.<sup>۳</sup>
- مجادلات اعتقاد به همه‌خدایی<sup>۴</sup> بین یاکوبی و مندلسون: در این مجادلات بود که او از طریق یاکوبی با اندیشه اسپینوزا آشنا شد.<sup>۵</sup>

### ۱. ۱. ۲. نخستین کاربردهای احساس (Gefühl)

۱. ۱. ۲. ۱. احساس در سه رساله یادداشت‌هایی درباره ارسطو، رساله خیر اعلی و رساله درباره آزادی

نخستین کاربردهای احساس، اشاره به شیوه‌ای از ادراک اخلاقی دارند. نخستین مقاله ماندگار شلایرماخر، یادداشت‌هایی درباره ارسطو (۱۷۸۸) است و در زمانی که وی فقط بیست سال داشت، نوشته شده است. این رساله از آثار نخستین او به شمار می‌آید و در

1. Martin-Luther-Universität Halle-Wittenberg

2. Cf. A. Lamm, Julia, "The Early Philosophical Roots of Schleiermacher's Notion of Gefühl, 1788- 1794", *Harvard Theological Review*(HTR), 87 (1), January 1994, p.70.

3. Ibid.

4. pantheism

5. Ibid.

دوران جوانی وی نگاشته شده است. شلایرماخر با توجه به میزان تأثیر اخلاق ارسطو بر شاگردانش، اصطلاح *Gefühl* (احساس) را به معنای متعارف به کار برد. این ممکن است به دلیل عدم وجود اختلاف و ناسازگاری جدی بین ارسطو و شلایرماخر و یا شاید به سبب فهم او از ارسطو، اختلاف قابل توجهی به نظر نیاید. زیرا هنگامی که او این رساله را می-نگارد، هنوز وارد چالش و پرسشی جدی نشده است، از این رو، خود را نیازمند به تعریف و تبیین اصطلاح احساس ندیده است. بدین سبب، شلایرماخر در نقل قول از ارسطو، ناخودآگاه به اصطلاحاتی چون «احساس مسوولیت»، «احساس دوستی»، «احساس بهتر» و «احساس اجتماعی» اشاره کرده است.<sup>۱</sup> احساس نزد شلایرماخر فقط دارای مفاهیم دینی و یا عرفانی نیست؛ بلکه وجوه دیگری هم دارد: نخستین جنبه آن اجتماعی است، دومین جنبه اش اخلاقی و سومین جنبه اش، تربیتی است؛ زیرا شلایرماخر از نظریه پردازان تعلیم و تربیت است. اما پرداختن به جنبه های تربیتی مبحثی است جداگانه که از حوصله این مقاله بیرون است. گسترده گی احساس در نگاه شلایرماخر به زمانه ای که او در آن زیست کرده و تربیت شده است وابستگی عمیقی پیدا می کند. او در جریان زهدگرا و پارسامنش<sup>۲</sup> هرنهوتر<sup>۳</sup> تربیت شده است. جریان زهدگرای مسیحی هرچند با نگاه عرفان مسیحی متداول در مسیحیت کاتولیک به طور کامل همسو نیست، اما متأثر از اشخاصی هم چون یاکوب بویمه<sup>۴</sup> است که با اندیشه های عرفانی بر جریان ایده آلیست ها و رومانیک های آلمانی مانند هگل، شلینگ و فون بادر تأثیر به سزایی گذاشتند. جریان زهدگرایی مسیحی که درون کلیسای لوتری و کالونی آلمان پدید آمد، با رشد نگاه عقلانی در شرح و تفسیر عقاید و امور ایمانی در نهضت اصلاح دینی خرسند نبودند و بر این باور بودند که ایمان مسیحی پویایی خود را از دست داده است. بدین سبب، رو به سوی احساس به جهت تحکیم پایه های ایمان آوردند. نگاه آنان به مقوله احساس در مسیحیت پروتستانی، تأثیری عمیق بر اندیشه

1. Schleiermacher, Friedrich, *Kritische Gesamtausgabe/ Anmerkungen zu Aristoteles: Nikomachische Ethik* 8-9, 1788, edited by Hans-Joachim Birkner and Günter Meckenstock in KGA I/1, Walter de Gruyter, Berlin, New York, 1984, pp.5,7, 10; *Aristotle Nicomachean Ethics* (translated by. H. Rackham, Cambridge, MA: Harvard University Press, 1947); Cf. A. Lamm, Julia, p.71.

2. Pietism

3. Hermhuter

4. Jakob Böhme

شلایرماخر جوان داشت.

او دربارهٔ ابعاد اجتماعی بودن و ارتباط احساس با جامعه در آثار دیگرش نیز به ارائه توضیح دربارهٔ ارتباط احساس و اجتماع اهتمام ورزیده است. بدین سبب است که بعضی از محققین معاصر هم چون: کوین دلبیو، هکتور<sup>۱</sup> و کریستین هلمر<sup>۲</sup> بر بعد اجتماعی بودن احساس از نگاه او تأکید کرده‌اند و در مقابل، تاندکا<sup>۳</sup> بر جنبه‌های عرفانی - وجودی احساس تأکید می‌کند، اصطلاح عرفان - وجودی توسط متیو راتکلیف<sup>۴</sup> با توجه به نگاه پدیدارشناختی فلسفی و متأثر از هایدگر برای مفهوم احساس انتخاب شده است.<sup>۵</sup> و<sup>(۱)</sup>

با وجود این، علاوه بر کاربردهای کلی و معمولی این اصطلاح در ادبیات فلسفی او، به نظر می‌رسد شلایرماخر در مواردی هنگام کاربرد احساس، سعی دارد که چیزی را با وضوح بیشتری نشان دهد. در نگاه شلایرماخر، مهم‌ترین حیات اخلاقی، پرورش صحیح احساس به مثابهٔ فعالیتی یکپارچه است که از آن مفاهیمی گسترده و عمیق، استنباط می‌شود. احساس از نظر گستردگی، مجموعهٔ آن چیزی است که در نظر ارسطو، سه انگیزهٔ اصلی حیات اخلاقی است. شلایرماخر، این انگیزه‌ها را در جایگاه احساس‌های بنیادین و همبسته با یکدیگر می‌داند:

- ۱- احساس دین
- ۲- احساس اخلاق ناب
- ۳- احساس دوستی.

1. Hector, Kevin W., "Attunement and Explication: A Pragmatist Reading of Schleiermacher's "Theology of Feeling"", in B. W. Sockness & W. Gräb (eds) *Schleiermacher, the Study of Religion, and the Future of Theology*, Berlin & New York, 2010, pp.215-242.

2. Helmer, Christiner, "Mysticism and Metaphysics: Schleiermacher and a Historical-Theological Trajectory", *Journal of Religion*, no.83, 2003, pp.517-538.

3. Thandeka, "Schleiermacher's Dialektik: The Discovery of the Self that Kant lost", *Harvard Theological Review*, Cambridge University Press, vol.85, Issue 04, October 1992.

4. Matthew Ratcliffe

۵. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه به اثر راتکلیف با عنوان زیر بنگرید:

Ratcliffe, Matthew, *Feelings of Being: Phenomenology, Psychiatry, and the Sense of Reality*, Oxford University Press, Oxford, 2008.

۶. برای اطلاعات کتاب‌شناختی بیشتر از جنبه‌های اجتماعی احساس بنگرید به پی‌نوشت ۲.

این احساس‌های بنیادین، یکپارچگی ذاتی و دوطرفه‌ای دارند؛ دین، اخلاق و دوستی باهم عمل می‌کنند تا حیات اخلاقی را به چالش بکشانند و افق‌های جدیدی را برای فعالیت اخلاقی ایجاد کنند. پرورش احساس، امری اخلاقی است و شامل یکپارچگی نیروهای درونی فاعل شناسا (سوژه) می‌شود. احساس اخلاقی باعث آرامش فاعل اخلاقی می‌شود، ارزش فردی را پرورش می‌دهد؛ بر «فعالیت‌های اخلاقی» اثر می‌گذارد و «روابط درونی» اندیشه‌ها، عواطف و اعمال را بهبود می‌بخشد.<sup>۱</sup>

بنابراین، احساس اخلاقی در یادداشت‌هایی درباره ارسطو، تنها درک چیز خاصی نیست؛ بلکه عمل تزکیه دایمی، مراقبه حالت‌های فردی شخصیت و پرورش «احساس‌های بهتر» است. از آنجایی که احساس اخلاقی، روشی متمایز از درک یا دانش نیست، نمی‌توان تصور کرد که احساس جدا از عواطف<sup>۲</sup> باشد؛ گرچه در آنجا ارتباط دقیق احساس و عواطف، روشن نیست. با وجود این، مشخص است که هرگونه احساس - اعم از «احساس اخلاقی» و «احساس خودبینی» - به‌طور طبیعی وجود دارد. به این معنا که احساس از متداول‌ترین تا متعالی‌ترین تجربه‌های ما نشأت می‌گیرد. و این تجربه‌ها به علت‌هایی طبیعی و ذاتی وابسته‌اند. بنابراین، در اکتساب هر احساس اخلاقی، تضمینی بر لزوم خوب انتخاب کردن ما وجود ندارد، چراکه در روند طبیعی اتفاق‌ها، هم در معرض تمایل‌های مخرب و هم در معرض تمایل‌های تلفیقی قرار داریم. از این‌رو، خواه ناخواه، احساس اخلاقی، تنها نشانه حیات اخلاقی ما خواهد بود.<sup>۳</sup>

#### ۱. ۲. ۱. Gefühl در رساله درباره خیر اعلی<sup>۴</sup>

در آغاز رساله درباره خیر اعلی، شلایرماخر خود را طرفدار کانت معرفی می‌کند. او در این رساله که در سال ۱۷۸۹ نگاشته شد، مشتاق است که با شیوه کتاب نقد عقل عملی و

1. Cf. Schleiermacher, *Anmerkungen zu Aristoteles*, p.6; Cf. A. Lamm, Julia, "The Early ...", p.72

2. sentiment

3. Cf. Schleiermacher, *Anmerkungen...*, p. 6; Cf. A. Lamm, Julia, "The Early ...", p.72

4. Schleiermacher, Friedrich, *Kritische Gesamtausgabe/ Über das höchste Gut*, (1789), edited by Hans-Joachim Birkner and Günter Meckenstock in Part 1: *Schriften und Entwürfe*, Bd.I. *Jugendschriften 1787-1796 KGA I/1*, Walter de Gruyter, Berlin, New York, 1984.

پژوهش‌های انتقادی به مبنای ذهنی<sup>۱</sup> فلسفه اخلاق<sup>۲</sup> روی آورد؛ بدین روی، او بی‌اعتمادی کانت به احساس را مفروض می‌گیرد و با سهیم شدن در این نگاه کانتی می‌کوشد تا شکنندگی مفهوم کانتی سعادت<sup>۳</sup> را در ارتباط با مفهوم احساس نمایان سازد. او در پی آن است که تفسیری را از خاستگاه‌های سعادت (بهجت) بیان کند: از این رو، ترجیحاً به مفهوم اخلاقی - استدلالی دقیقی می‌پردازد؛ این موضوع بنیان ذاتی مشترکی با تجربه انسانی دارد. او بیان می‌کند که ما بعضی از پدیده‌ها و حوادث را که سبب‌ساز شادمانی و یا اندوه می‌شوند، از طریق تجربیاتمان می‌یابیم و معتقد است که در این موضوع راز و یا پیچیدگی خاصی نهفته نیست. علی‌رغم آن، آگاهی در حال رشد انسان از این وضعیت، شامل یک کنش<sup>۴</sup> (فعل یا عمل) مداوم و اساسی<sup>۵</sup> ادراکی و تشخیصی است؛ که در ادامه فرآیند مذکور، این عمل تشخیصی - ادراکی، احساس را درگیر می‌کند. شلایرماخر در رساله درباره خیر اعلی بیان می‌کند: «هر چند، به یکباره انسان‌ها و رای نیازهایشان می‌توانند به صورت مستقیم، بعضی از توجهات و حالت‌های آگاهی بخش را به خودشان داشته باشند یا به عبارتی دیگر خودشان را با خودشان توجیه کنند و یا تطبیق دهند. در این روند اولین چیزی که به دنبال آن درمی‌یابند تفاوت بین حسیات<sup>۶</sup> خوشایند و ناخوشایند در احساس‌شان<sup>۷</sup> است».<sup>۸</sup>

نه تنها احساس عهده‌دار منشا گمراهی از دل‌بستگی‌مان به مفهوم سعادت است، بلکه مسؤل تداوم و وابستگی به این تعلقات نیز هست.<sup>۹</sup> در این رساله، شلایرماخر در ابتدا متفکری کانتی است که به تدریج در بعضی از مباحث از اندیشه‌های کانت فاصله می‌گیرد. این موضوع در بخش "شلایرماخر و فلسفه استعلایی کانت" بررسی خواهد شد.

#### ۱. ۱. ۲. ۳. احساس (Gefühl) در رساله درباره آزادی

1. subjective
2. Ethics
3. happiness
4. act
5. fundamental
6. sensations
7. feeling
8. Schleiermacher, Friedrich, *Kritische Gesamtausgabe/ Über das höchste Gut*, (1789), p.85; See also: Schleiermacher, Friedrich, *On the Highest Good*, pp.15-16.
9. Ibid.



اثر مهم دیگری از شلایرماخر که در زمینه فلسفه اخلاق است رساله درباره آزادی<sup>۱</sup> است. این اثر نوشته‌ای بسیار مهم درباره اخلاق است که آن را گونتر مکنستوک<sup>۲</sup> شرح کرده است. او این اثر را بسیار جامع، بلندپروازانه و مشکل‌ترین اثر در مجموعه کارهای اولیه شلایرماخر می‌داند.<sup>۳</sup> او در این رساله خط فکری جدیدی را ارائه می‌کند که چشم اندازی از دو جریان فلسفی مهم و مسلط بر آن دوران بوده است: ۱. جریان کانتی و ۲. جریان ولفی<sup>۴</sup>. پایه نظریات بعدی او در حوزه اخلاق در این رساله شکل گرفته است. این رساله در توسعه احساس (Gefühl) در آثار بعدی و اصلی شلایرماخر - اثر درباره دین - نقش مهمی را بازی می‌کند. در این رساله فضای فکری او متأثر از جریان کانتی از اخلاق به سوی معرفت‌شناسی تغییر جهت پیدا می‌کند و این تمایز از رساله درباره خیر اعلی که به ادراک و تمایز اخلاقی مربوط می‌شد، مشهود است. او در این رساله از اصطلاح احساس (Gefühl) معنی یا کاربرد واحدی را ارائه نمی‌دهد؛ او بیش از هفتاد بار با کاربردهای مختلفی از احساس (Gefühl) یا fühlen<sup>۵</sup> استفاده می‌کند که البته تمامی کاربردهای آن با یکدیگر سازگار نیستند. پس اصطلاح احساس (Gefühl) نقطه عزیمت‌اش از فلسفه کانتی است.<sup>۶</sup>

#### ۱. ۲. ۴. شلایرماخر و فلسفه استعلایی کانت

شلایرماخر در ماه‌های نخستین سال ۱۷۸۹ و زمانی که هنوز دانشجوی دانشگاه هاله بود،

1. Schleiermacher, Friedrich, *Über die Freiheit, in KGA I/1*. 217-356; Schleiermacher, Friedrich, *On Freedom (Schleiermacher Studies and Translations)*, Schleiermacher Studies and Translations (Book 9), (tr.), Albert L. Blackwell, Edwin Mellen Pr, 1992.

2. Günter Meckenstock

3. Günter Meckenstock, *Deterministische Ethik und kritische Theologie: Die Auseinandersetzung des frühen Schleiermacher mit Kant und Spinoza 1789-1794*, Berlin, Walter de Gruyter, 1988, p.52. (Meckenstock is also editor of vols. I.1-3, 12 of KGA.).

این اثر بین سال‌های ۱۷۹۰-۱۷۹۲ نوشته شده است هنگامی که او به عنوان معلم خصوصی در ملک کنت دونا (Count Dohna) در اسکوهولبتین (Schlobitten) در پروس شرقی کار می‌کرد.

4. Wolffian Philosopher Johann August Eberhard (1739-1809).

5. to feel

برای بررسی ریشه‌های لغت feel، وبسایت زیر را بنگرید:

<https://www.etymonline.com/word/feel>, 12 Secember, 2018.

6. Cf. A. Lamm, Julia, "The Early...", pp.81-82.

توجه خود را از ارسطو به ایمانوئل کانت معطوف کرد و به اندیشیدن درباره حیات اخلاقی ادامه داد. به احتمال زیاد، این تغییر را می‌توان به دستیابی وی به نسخه‌ای از نقد عقل عملی (کانت) نسبت داد که در سال ۱۷۸۸ منتشر شد.<sup>۱</sup> شلایرماخر، در دونسخه درباره خیر/اعلی و یادداشت‌هایی درباره کانت که خیلی مختصرتر بود، به مفهوم آزادی استعلایی و پیامدهای آن تأکید داشت. وی در ابتدا یکی از مشتاقان کانت بود ولی علی‌رغم این طرفداری و اشتیاق، با تأکید بر عدم وجود سعادت در مفهوم خیر/اعلی، از کانت کناره می‌گرفت؛ شلایرماخر به سختی می‌توانست باور کند که حتی کانت مرتکب این اشتباه شده باشد.<sup>۲</sup> سعادت در نگاه کانت جزئی از خیر/اعلی است که قوام‌بخش<sup>۳</sup> است و به صورتی ضمنی و پنهان شامل مفهوم کمال<sup>۴</sup> است. اما در نگاه شلایرماخر، خیر/اعلی اصلی نظام‌بخش<sup>۵</sup> است و کمال را به بالاترین حد ممکن بدل نمی‌سازد.<sup>۶</sup> در پی آن، شلایرماخر خیلی زود به اختلاف نظرهای بنیادین دیگری نیز پی برد. بنابراین، دو مقاله اول او که به کانت می‌پردازد، نوشته‌هایی در حال تحول و دگرگونی هستند که درست به همین دلیل دچار تناقض‌اند.<sup>۷</sup> در این دو اثر، شاهد متفکری هستیم که دستخوش بیداری اندیشه شده است و نه تنها شاگردی وفادار و پیرو کانت نیست؛ بلکه، اندیشمندی منتقد و فعال است. شلایرماخر جوان با نگاهی انتقادی، تاریخچه عقاید را بررسی می‌کرد، عقاید دیگران را به چالش می‌کشید و جهت‌ارایه دلایل فلسفی و نوظهور خود، اهتمام می‌ورزید.<sup>۸</sup> در سال ۱۷۸۹، سؤالات بسیاری در زمینه فلسفه اخلاقی برایش ایجاد شد که بی‌شک، پرسش‌گر اصلی و آغازگر این سؤالات، کانت بود.

1. Kant, Immanuel, *Critique of Practical Reason*, translated by Norman Kemp Smith, Palgrave Macmillan, UK, 2007.

2. Schleiermacher, Friedrich, *On the Highest Good* (Schleiermacher Studies and Translations), H. Victor Froese (translated and annotated with a scholarly postscript.), Edwin Mellen Press, 1992, p.18.

3. constitutive

4. perfection

5. regulative

6. Schleiermacher, Friedrich, *On Religion...*, Introduction of *On Religion* by Richard Crouter, p. XXI.

7. See: H. Victor Froese, "Postscript", to Schleiermacher, *On the Highest Good*, 1992, pp.122-23.

8. *On the Highest Good*, p.115.

هر چند موضوع مقاله حاضر صرفاً مربوط به رساله‌های نخستین و تا سال ۱۷۹۲ است، اما به دلیل تبیین نگاه کانتی بر شکل‌گیری فلسفه اخلاقی شلایرماخر و تحولات احساس در روند تاریخی، به صورت اجمالی به دوره‌هایی بعدی که مربوط به سال‌های بعد از ۱۷۹۲ و ۱۷۹۹ میلادی است نیز اشاره می‌کنیم، هرچند استدلال و نقد او بر کانت و فیخته به دوره نخستین مطالعات او باز می‌گردد. شلایرماخر در سخنرانی‌های سال‌های ۱۸۲۲ در رساله دیالکتیک<sup>۱</sup> استدلال می‌کند که کانت و فیخته کوشیده بودند که آگاهی استعلایی را به طور کلی در قوای فکر بشری پایه‌ریزی کنند. شلایرماخر استنتاج می‌کند که کار کانت کامل نیست چون یک‌سویه به موضوع نگریسته است و این سبب مشکل شده است؛ تقسیم‌بندی کانت به عقل نظری و عملی به جای حل مشکل، آن را تشدید کرد.<sup>۲</sup> از این رو، کانت در تعیین و شناسایی بذر مشترکی که هر دو عقل مورد نظر از آن به وجود می‌آیند، موفق نبود. کانت نتوانست یک مرحله گذار و تحولی را بدین وسیله مشخص کند که کدام جنبه‌های منطقی، اخلاقی و فیزیکی تجربه انسان می‌توانند در ارتباط با حقایق ماهیت انسانی فهم شوند. لذا، شلایرماخر، نتیجه می‌گیرد که برای یافتن این مرحله گذار و تحول، باید پارادایمی جدید برای فهم ماهیت انسانی گسترش یابد.<sup>۳</sup>

بخشی از خود-ادراکی شلایرماخر که مرتبط با کانت است به پژوهش‌های او درباره احساس (Gefühl) بازمی‌گردد. مفهوم احساس که به‌هیچ‌وجه دلالتی صریح بر ادراک شلایرماخر از حیات اخلاقی ندارد، از کاربردی منسجم و پیوسته بهره‌مند نیست. برای نمونه، از اصطلاح احساس در رساله درباره خیر/اعلی، پنج بار استفاده شده است که دوبرار اول با عدم تأیید، دوبرار دوم، تاحدی با تأیید و بار آخر با موافقت کامل مواجه شد. با تغییر

### 1. Dialektik

مجموعه ۶ دوره از سخنرانی‌هایی است که در بین سال‌های ۱۸۱۱ الی ۱۸۳۱ در برلین ایراد شده‌اند.

### 2. Friedrich Schleiermacher, Dialektik (ed. Ludwig Jonas) in *Schleiermachers sämtliche*

*Werke*, 3.1. p.428. For further information, refer to: Thandeka, "Schleiermacher's Dialektik: The Discovery of the Self that Kant Lost", *Harvard Theological Review*, Cambridge University Press, Volume 85, Issue 04, October 1992, pp.433-452.

3. Thandeka, "Schleiermacher's Dialektik: The Discovery of the Self that Kant Lost", *Harvard Theological Review*, Cambridge University Press, vol.85, Issue 04, October 1992, pp.439-440.

در نگرش مفهوم احساس، ارزیابی انتقادی شلایرماخر از کانت آغاز می‌شود و نظریه اخلاقی‌اش پدید می‌آید. احساس در انتهای اثر درباره خیر/علی و در سراسر رساله یادداشت‌هایی درباره کانت، در پی آن است که فعالیت و حس تشخیصی<sup>۱</sup> بنیادین را در فرآیند ادراک اخلاقی، معین کند؛ و این چیزی شبیه یک قوه<sup>۲</sup> (قوه نفسانی) است. از این - روی، توسعه مفهوم احساس در اندیشه شلایرماخر با چند موضوع مهم در الاهیات و فلسفه او پیوند دارد:

۱- رد کردن مفهوم آزادی استعلایی<sup>۳</sup> کانتی

۲- بهره‌گرفتن از نقد اول کانت

۳- اصلاحی در مفاهیم انسان‌شناسی<sup>۴</sup> فلسفی کانت به طور عام

۴- اقتباسی از مفهوم حس اخلاقی<sup>۵</sup> نزد یوهان آگست ابرهارد<sup>۶</sup>

تأکید روزافزون شلایرماخر بر اصطلاح احساس، ریشه در این واقعیت داشت که وی از تفاوت و شکافی که کانت، بین آزادی و میل قائل شده بود، ناخرسند بود؛ تفاوتی که شلایرماخر آن را به‌مثابه شیء وارگی<sup>۷</sup> بیشتری از جدایی بین شیء<sup>۸</sup> و شیء فی‌نفسه<sup>۹</sup> در نقد عقل محض، تفسیر کرد.<sup>۱۰</sup>

1. sensibility
2. faculty
3. transcendental
4. anthropology
5. moral sense
6. Johann August Eberhard

برای مطالعه بیشتر درباره ابرهارد که در مکتب ولفیان و لایبنیتس می‌اندیشید و بنا بر مکتب لایبنیتس منتقد کانت بود و بیان می‌کرد که کانت سخن جدیدتری از لایبنیتس نداشته است، به رساله خواندنی زیر بنگرید:

Allison, Henry E., *The Kant-Eberhard Controversy: An English Translation Together With Supplementary Materials and a Historical-Analytic Introduction of Immanuel Kant's on a Discovery, According to Which Any New Critique of Pure Reason Has Been Made Superfluous by an Earlier One*, Johns Hopkins, 1973.

7. reification
8. phenomem
9. noumen
10. Guyer, Paul, "Feeling and Freedom: Kant on Aesthetics and Morality", *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, vol.48, 1990, p.145; Cf. A. Lamm, Julia, "The Early..., pp.79-80.

پیدایش *Gefühl* به مثابه مفهومی کلیدی، به طور مستقیم با رها شدن و دل کندن قطعی شلایرماخر از نگاه کانتی ارتباط دارد. هدف اصلی شلایرماخر از این مقالات، رها شدن از آن چیزی است که کانت نمی‌توانست بیان دارد؛ یعنی از موضوعات اصلی مابعدالطبیعه: اختیار<sup>۱</sup> (آزادی)، جاودانگی<sup>۲</sup> (بقای نفس) و خدا<sup>۳</sup>. همان‌طور که پیشتر بیان شد، کانون نگاه انتقادی شلایرماخر بر مفهوم کانتی سعادت<sup>۴</sup> است که جایگاهی محوری در خیر اعلی دارد.<sup>۵</sup>

شلایرماخر در آینده، تفسیر لایبنیتیسی و ولفی درباره آزادی، اخلاق و خدا را رها کرد، وی که نمی‌توانست به درک قابل قبولی از آزادی و خدا برسد، به نظام اسپینوزایی روی آورد و خوانشی رومانتیک از اندیشه اسپینوزا ارائه کرد.<sup>۶</sup>

در حالی که در رساله درباره آزادی، خواست (ذوق، میل) و احساس نقشی مثبت و محوری در زندگی انسانی<sup>۷</sup> دارند؛ همان‌طور که ذکر شد، شلایرماخر ایده کانتی‌ها درباره آزادی استعلایی<sup>۸</sup> به مثابه ظرفیتی عقلانی برای تولید حالتی خودانگیخته (بالطبع)<sup>۹</sup> را رد می‌کند و آن را با نظام علیتی‌ای که سبب حکم کردن قوه ذوقی یا خواهشی می‌شود، جایگزین می‌کند.<sup>۱۰</sup> اما ریشه این انتقاد به کانت، مرتبط با اندیشه جریان رومانتیک است. شلگل به عنوان یکی از اصلی‌ترین اندیشمندان جریان رومانتیک، در پی یافتن فهمی و رای فهم محدود کانت (به تعبیر شلگل) از آزادی استعلایی بود، در نگاه کانت این آزادی به مثابه اصلی بدیهی و بدون استدلال از عقل عملی مطرح است.<sup>۱۱</sup> اما بدون صرف نظر کردن از این

1. freedom
2. immorality
3. God
4. happiness
5. Cf. A. Lamm, Julia, "The Early ...", p.74.

برای اطلاعات بیشتر درباره این‌که آیا می‌توان شلایرماخر را پساکانتی اسپینوزایی دانست، بنگرید به پی‌نوشت ۳.

6. Ibid.
7. human life
8. transcendental freedom/ transzendente freiheit
9. spontaneously
10. Friedrich Schleiermacher, *Lectures on Philosophical Ethics*, Cambridge University Press, New York, USA, 2002, p. xv.
11. Schleiermacher, Friedrich, *On Religion...*, Introduction of *On Religion* by Richard Crouter, p. XXVI;

ادعای ریشه‌ای که اندیشه و عمل انسانی -که به مثابه طبیعت انسانی هستند- همیشه به قوانین علی و معلولی مربوط می‌شوند؛ شلایرماخر هم چنین می‌کوشد تا بر دوگانگی اندیشه و عمل انسانی فائق آید. از این رو در درباره ارزش زندگی بیان می‌کند:

«که معرفت و میل (خواسته) نباید دو چیز در من باشند، بلکه آن‌ها یک چیزند». (۲)

در این جا نیاز است اشاره‌ای مختصر به نظام کانتی درباره خودانگیختگی و آزادی داشته باشیم. هرچند، این موضوع بحث مفصلی است که در این مختصر نمی‌گنجد. اما جهت تبیین نقد شلایرماخر، اشاراتی به آن خواهیم داشت. کانت در مقدمه نقد عقل عملی بیان می‌کند: «قوه عقل عملی "آزادی استعلایی" را تأسیس می‌کند». ۳ ریشه این سخن در نقد اول اوست که این معنا را اثبات می‌کند که تجربه بشر از ترکیب فعل خودانگیخته ذهن با قوای (انفعالی) شهودی‌اش به دست می‌آید. خودانگیختگی فکر از چیز دیگری مشتق نشده است و نیز حقیقتی بدیهی یا اصل اولی تردیدناپذیر نیست؛ بلکه در عوض فعلی خودآفرینشگر یا خودزا است. ۴

کانت از یک سو اذعان می‌کند که عقل عملی ما را ملزم می‌کند که اختیار و آزادی خود را بپذیریم و از سوی دیگر عقل نظری ما را به نفی آن الزام می‌کند. سؤال اساسی این است اگر توسط عقل محض نمی‌توانیم به ارزش‌ها و خیرهایی در نظام آفرینش دست‌یابیم (آنها را بفهمیم) آیا بدین ترتیب همان‌طور که یاکوبی می‌ترسید نیهیلیست نمی‌شویم؟ پس

برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید:

*Schriften und Fragmente*, Ernst Behler (ed.), Stuttgart, 1956, p.156.

1. Schleiermacher, Friedrich, *Kritische Gesamtausgabe/ Über den Wert des Lebens*, (1792/93), edited by Hans-Joachim Birkner and Günter Meckenstock in Bd.I. *Jugendschriften 1787-1796 KGA I/1*, Walter de Gruyter, Berlin, New York, 1984, p.410.

۲. برای مطالعه بیشتر و عمیق‌تر درباره مبحث ادراک و تمایز اخلاقی نگاه کنید به پی‌نوشت ۴.

3. Kant, Immanuel, *Critique of Practical Reason*, Tr. & Ed. by Mary J. Gregor with a revised introduction by Andrews Reath, Cambridge University Press, UK, 2015, Preface: 5:3, p.3.

4. Kant, Immanuel, *Critique of Practical Reason*, translated by Norman Kemp Smith, Palgrave Macmillan, UK, 2007, B134note, p.154.

برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

Pinkard, Terry, *German Philosophy: 1760-1860 The Legacy of Idealism*, Cambridge University Press, 2002, pp.45.

باید این را بپذیریم که آنچه خیر و شر می‌پنداشتیم تنها بسته به امیال تصادفی ما بوده‌اند، و از این‌رو، سخن هیوم را پذیرفته‌ایم که عقل هرگز نمی‌تواند چیزی بیش از بردهٔ عواطف باشد. این‌ها مسائل جدی‌ای بودند که پیش روی کانت قرار داشت. کانت کوشید تا در آثاری هم‌چون: *تأسیس متافیزیک اخلاق* در سال ۱۷۸۵ و سپس *با نقد عقل عملی* در سال ۱۷۸۸ و در نهایت *در متافیزیک اخلاق* در سال ۱۷۹۷ به این موضوع مهم بپردازد. او می‌اندیشید که کلید پاسخ به این سؤالات در ضرورت عملی‌ای نهفته است که لازمهٔ تصور ما از خود به مثابهٔ موجودی آزاد است.

کانت برای آزادی استعلایی خویش، عامل انگیزه را به نظریهٔ اخلاقی‌اش راه می‌دهد. و سپس می‌پرسد که فی‌الواقع چه چیزی ما را به عمل بر می‌انگیزاند؟ از آن‌جا که کل «ایدهٔ آزادی استعلایی» بر این نکته بنا شده است که ما می‌توانیم به واسطهٔ دستوری که خودمان برگزیده‌ایم به جانب عمل رانده شویم. به نظر نمی‌رسد که هیچ نوع هدف مطلق ممکن باشد، زیرا آن‌گاه این هدف باید ما را از ناحیهٔ قوایی مثل میل یا لذت برانگیزاند و چنین هدفی در نهایت مشروط به ساختمان خاص روانی و ارگانیک فاعل (سوژه) خواهد بود. اما هر چیزی، حتی خود لذت، برای برانگیختن فاعل به انجام دادن عمل (درتقابل با علت شدن برای عمل)، ابتدا باید در چارچوبهٔ دستور آن فاعل جایی پیدا کند؛ فاعل باید آن را به دلیلی برای عمل کردن تبدیل کند.

کانت می‌گوید: «آزادی انتخاب (*Willkür*) طبیعتی به کلی یگانه دارد چرا که انگیزه تنها زمانی می‌تواند انتخاب فرد برای انجام دادن فعلی خاص را معین کند که او آن را در دستور خودش گنجانده باشد. این بدان معنی است که آن را به قاعده‌ای عمومی بدل کرده باشد که اعمالش بر طبق آن سر و سامان می‌یابد؛ تنها این‌گونه است که انگیزه هر چیزی باشد، می‌تواند در کنار خودانگیختگی مطلق انتخاب (*Willkür/ freedom*) بهره‌ای از وجود داشته باشد».<sup>۱</sup>

از این‌رو، وعدهٔ لذت هر قدر هم که جذاب باشد، باز هم به تنهایی فقط انگیزهٔ مشوق است و فقط زمانی به دلیلی برای عمل کردن بدل می‌شود که فاعل آن را به مثابهٔ دلیلی برای عمل کردنش تبدیل کند؛ به طور مثال دنبال کردن لذت را در این‌جا می‌توان نام برد. و تنها

1. Immanuel Kant, *Religion Within the Limits of Reason Alone*, translated by Theodore M. Greene and Hoyt Hudson, Harper and Row, New York, 1960, p.19.

در این صورت است که می‌توان گفت فاعل واقعا آزاد است و به جای این‌که نیروهای خارجی او را وادار به عمل کنند، واقعا خود او، خودش را به عمل کردن وادار می‌کند.<sup>۱</sup> در این جاست که نگاه شلایرماخر به دین با نگاه کانت و فیخته که دین را استوار بر اخلاق می‌پنداشتند، تفاوت پیدا می‌کند؛ هم‌چنین نگاهش با مواجهه‌الاهیات مسیحی پیشا مدرن که آن را مبتنی بر متافیزیک می‌دانستند، نیز تفاوت دارد.<sup>۲</sup> او در درباره دین بیان می‌کند: «که دین در همان‌جایی نفس می‌کشد که خود آزادی بار دیگر به طبیعت بدل شده است».<sup>۳</sup>

### نتیجه

شلایرماخر با مقدمات فلسفه یونانی و تحت تأثیر ارسطو و آرای اخلاقی‌اش، و متأثر از جریان زهدگرایی مسیحی در قرن هیجدهم به منظور نجات و تقویت ایمان مسیحی به طرح مفهوم احساس (Gefühl) روی آورد؛ به نحوی که این مفهوم به تدریج در نگاه او محوری‌تری تام پیدا کرد. از سوی دیگر شلایرماخر با آشنایی و مطالعه فلسفه مدرن و به خصوص کانت، شیفته فلسفه او شد، اما اندیشه سوپژکتیویته کانتی با الاهیات مسیحی لوتری به طور کامل همسو نبود. از یک سو، مفهوم انسان در الاهیات لوتری به تبعیت از جریان اومانیزم<sup>۴</sup>، اهمیتی خاص پیدا کرده بود که در این جنبه نیز کانت با جریان نهضت اصلاح‌دینی و اومانیزم هم‌سو بود؛ اما از سوی دیگر ارتباط انسان با مباحث مابعدالطبیعی‌ای در اندیشه دینی کانت ضعیف شده بود، اما در الاهیات لوتری این پیوند بر اساس ایمان به مسیح، هنوز پایرجا بود؛ از این‌روی شلایرماخر به طور کامل اندیشه کانت را در حیطه دین و اخلاق نپذیرفت و کوشید ایمان مسیحی را از سیطره اندیشه دینی کانت و جریان عقل‌گرایی روشنگری برهاند. شلایرماخر از یک سو بر تجربه انسانی فاعل شناسا (سوژه) صحه

1. Ibid; E. Alison, Henry, *Kant's Theory of Freedom*, New York, Cambridge University Press, 1990, Transferred to digital printing 2003, pp.39-40; Cf. Pinkard, Terry, *German Philosophy, 1760-1860 The Legacy of Idealism*, Cambridge University Press, New York, 2002, p. 50. (Note-3)

2. Ibid, p. 150.

3. Schleiermacher, Friedrich, *On Religion...*, p.23.

4. Humanism



گذاشته و از سوی دیگر با احساس (حال) و شهود به مثابه مفاهیمی پیشا-تأملی<sup>۱</sup> می‌کوشد که دین را از فروکاست کانتی به اخلاق نجات دهد.

### پی‌نوشت

۱- از مجموعه آثار شلایرماخر به زبان آلمانی بنگرید به مرجع زیر به اختصار ویرایش جدید آثار او در سال ۱۹۸۴ را KGA نامیده است:

Friedrich Schleiermacher, *Lectures on Philosophical Ethics*, Cambridge University Press, New York, USA, 2002, p. xxxiv.

در قرن نوزدهم ویرایش و تصحیح مجموعه آثار شلایرماخر به زبان آلمانی در سی‌وسه جلد و در سه بخش: ۱. الاهیات ۲. خطابه‌ها ۳. فلسفه تحت عنوان زیر چاپ شده است:

[SW] *Friedrich Schleiermacher's sämtliche Werke*, Berlin, 1834-1864.

*Kritische Gesamtausgabe* ویرایش و تصحیح جدید مجموعه آثار شلایرماخر به زبان آلمانی با عنوان:

[KGA] Hans-Joachim Birkner with Gerhard Ebeling, Hermann Fischer, Heinz Kimmerle, and Kurt-Victor Selge (Berlin: Walter de Gruyter, 1984. توسط اشخاص زیر ویرایش شده است:

مجموعه مذکور برای چهل جلد و در پنج بخش برنامه‌ریزی شده بود که تا سال ۲۰۰۲ میلادی ده جلد آن چاپ شده است و هنوز ادامه دارد؛ ویرایش آلمانی قدیمی‌تر که شامل مباحث حوزه اخلاق شلایرماخر نیز هست در مجموعه KGA هنوز به چاپ نرسیده است، این مجموعه قدیمی شامل: (Ethik [1812/13]) و تحت عنوان: *Werke. Auswahl in vier Bänden [WA]* می‌باشد که توسط اشخاص زیر ویرایش شده است:

Otto Braun and Johannes Bauer (Leipzig: Felix Meiner, 1910-13 reprint ed. Aalen: Scientia, 1967.

برای مطالعه مجموعه آثار شلایرماخر نک.

KGA I.1: *Friedrich Schleiermacher Kritische Gesamtausgabe I Schriften und Entwürfe. Band 1 Jugendschriften 1787-1796*. Edited by Günter Meckenstock, Berlin, 1984.

KGA I.2: *Friedrich Schleiermacher Kritische Gesamtausgabe 1 Schriften und Entwürfe. Band 2 `Schriften aus der Berliner Zeit 1796-1799*, Edited by Günter Meckenstock, Berlin, 1984.

KGA I.3: *Friedrich Schleiermacher Kritische Gesamtausgabe I Schriften und Entwürfe. Band 3 Schriften aus der Berliner Zeit 1800-1802*. Edited by Günter Meckenstock, Berlin, 1988.

KGA v.I: *Friedrich Schleiermacher Kritische Gesamtausgabe v Briefwechsel 1774-1796 Band 1*. Edited by Andreas Arndt and Wolfgang Virmond, Berlin, 1985.

برای اشخاصی که تمایل به کار بر روی زمینه فلسفه اخلاق شلایرماخر دارند، مجموعه WA، گردآوری خوب و جامعی است. بسیاری از آثار شلایرماخر در زمینه اخلاق برای اولین بار است که به زبان انگلیسی ترجمه می‌شوند و ریشه بسیاری از مباحث مربوط به احساس و دین در این آثار نهفته است که مربوط به سال‌های پیش از سال ۱۷۹۹ و چاپ اثر مهم درباره دین می‌باشند. که در این بخش از مقاله که به خاستگاه‌های احساس در دوره پیش از چاپ درباره دین می‌پردازیم، نگاهی گذرا به سخنرانی‌هایش در باب فلسفه اخلاق نیز خواهیم افکنند.

۲- از مهم‌ترین توضیحاتی که درباره ایده شلایرماخر از اجتماعی بودن بیان شده، مقاله‌ای است با نام «جستاری در ارائه نظریه‌ای در باب رفتار اجتماعی»<sup>۱</sup> که او در سال ۱۷۹۹، هم‌زمان با خطابه‌های درباره دین نوشته است، اما در مجله آتنویم منتشر نشد.<sup>۲</sup> او در خطابه‌های درباره دین، در خطابه چهارم با موضوع «درباره عنصر اجتماعی در دین یا درباره کلیسا و روحانیون مسیحی»<sup>۳</sup> بحث احساس و شهود را در ارتباط با اجتماع مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳- برای اطلاعات بیشتر درباره این‌که آیا می‌توان شلایرماخر را پساکانتی اسپینوزایی دانست،

بنگرید به:

A. Lamm, Julia, "Schleiermacher's Post-Kantian Spinozism: The Early Essays on Spinoza, 1793-94", *The Journal of Religion*, vol. 74, No. 4., Oct., 1994, pp. 476-505.

۴- برای مطالعه بیشتر و عمیق‌تر درباره مبحث ادراک و تمایز اخلاقی نک.

Blackwell, Albert L, "Schleiermacher's Early Philosophy of Life: Determinism, Freedom, and Phantasy", *Harvard Theological Studies*, vol XXXIII, 1982.

به خصوص مقالات زیر:

John P. Crossley, "The Ethical Impulse in Schleiermacher's Early Ethics", *Journal of Religious Ethics*, vol.17, no.2, 1989, pp.5-24; Wallhausser, John, "Schleiermacher's Critique of Ethical Reason", *The Journal of Religious Ethics*, vol.17, no.2, 1989, pp. 25-39.

1. *Versuch einer Theorie des geselligen Betragens / Attempt at a Theory of Sociable Conduct*

2. C. Beiser, Frederick, "Schleiermacher's ethics", *The Cambridge Companion to Friedrich Schleiermacher*, Mariña, Jacqueline (ed.), United States of America, New York, Cambridge University Press, 2005, p. xvii.

3. element

4. Fourth Speech: "On the Social Element in Religion; or, On Church and Priesthood" in Schleiermacher, Friedrich, *On Religion: Speeches to Its Cultured Despisers*, trans. & ed. Richard Crouter, Cambridge University Press, Second Edition 1996, Fourteenth Printing 2010, Introduction of *On Religion* by Richard Crouter, pp.72-94.

منابع

- A. Lamm, Julia, "The Early Philosophical Roots of Schleiermacher's Notion of Gefühl, 1788– 1794", *Harvard Theological Review (HTR)*, 87 (1), January 1994.
- A. Lamm, Julia, "Schleiermacher's Post-Kantian Spinozism: The Early Essays on Spinoza, 1793-94", *The Journal of Religion*, vol.74, no.4, Oct., 1994.
- *Aristotle Nicomachean Ethics* (translated by. H. Rackham, Cambridge, MA: Harvard University Press, 1947.
- Blackwell, Albert L, "Schleiermacher's Early Philosophy of Life: Determinism, Freedom, and Phantasy", *Harvard Theological Studies*, vol XXXIII, 1982.
- Günter Meckenstock, *Deterministische Ethik und kritische Theologie: Die Auseinandersetzung des frühen Schleiermacher mit Kant und Spinoza 1789-1794*, Berlin, Walter de Gruyter, 1988.
- Guyer, Paul, "Feeling and Freedom: Kant on Aesthetics and Morality," *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, vol.48, 1990.
- Hector, Kevin W., "Attunement and Explication: A Pragmatist Reading of Schleiermacher's "Theology of Feeling"", in B. W. Sockness & W. Gräb (eds) *Schleiermacher, the Study of Religion, and the Future of Theology*, Berlin & New York, 2010.
- Helmer, Christiner, 'Mysticism and Metaphysics: Schleiermacher and a Historical-Theological Trajectory', *Journal of Religion*, no.83, 2003.
- Schleiermacher, Friedrich, *On the Highest Good* (Schleiermacher Studies and Translations), H. Victor Froese (translated and annotated with a scholarly postscript.), Edwin Mellen Press, 1992.
- <https://www.etymonline.com/word/feel>, 12 Secember, 2018.
- John P. Crossley, "The Ethical Impulse in Schleiermacher's Early Ethics", *Journal of Religious Ethics* , vol.17, no.2, 1989
- Kant, Immanuel, *Critique of Practical Reason*, Tr. & Ed. by Mary J. Gregor with a revised introduction by Andrews Reath, Cambridge University Press, UK, 2015.
- Kant, Immanuel, *Critique of Practical Reason*, translated by Norman Kemp Smith, Palgrave Macmillan, UK, 2007.
- Kant, Immanuel, *Religion Within the Limits of Reason Alone*, translated by Theodore M. Greene and Hoyt Hudson, Harper and Row, New York, 1960.
- Schleiermacher, Friedrich, *Christian Faith*, Bloomsbury T&T Clark, UK, 2016.
- Schleiermacher, Friedrich, *Dialektik* (ed. Ludwig Jonas) in *Schleiermachers sämtliche Werke*, 3.1.
- Schleiermacher, Friedrich, *Kritische Gesamtausgabe/ Anmerkungen zu Aristoteles: Nikomachische Ethik* 8-9, 1788, edited by Hans-Joachim Birkner and Günter Meckenstock in *KGA I/1*, Walter de Gruyter, Berlin, New York, 1984.
- Schleiermacher, Friedrich, *Kritische Gesamtausgabe/ Über das höchste Gut*, (1789), edited by Hans-Joachim Birkner and Günter Meckenstock in Part

- 1: Schriften und Entwürfe, Bd.l. .Jugendschriften 1787-1796, KGA I/1, Walter de Gruyter, Berlin, New York, 1984.
- Schleiermacher, Friedrich, Kritische Gesamtausgabe/ *Über die Freiheit, (Zwischen 1790 und 1792)* , edited by Hans-Joachim Birkner and Günter Meckenstock in Part 1: Schriften und Entwürfe, Bd.l. .Jugendschriften 1787-1796, KGA I/1, Walter de Gruyter, Berlin, New York, 1984.
  - Schleiermacher, Friedrich, *On Freedom (Schleiermacher Studies and Translations)*, Schleiermacher Studies and Translations (Book 9), (tr.), Albert L. Blackwell, Edwin Mellen Pr, 1992.
  - Schleiermacher, Friedrich, *On Religion: Speeches to Its Cultured Despisers*, trans & ed. 7 intruduction by Richard Crouter, Cmbridge University Press, Second Edition 1996, Fourteenth printing 2010.
  - Schleiermacher, Friedrich, *Lectures on Philosophical Ethics*, Cambridge University Press, New York, USA, 2002.
  - Ratcliffe, Matthew, *Feelings of Being: Phenomenology, Psychiatry, and the Sense of Reality*, Oxford University Press, Oxford, 2008.
  - Thandeka, “Schleiermacher's Dialektik: The Discovery of the Self that Kant Lost”, *Harvard Theological Review*, Cambridge University Press, Volume 85, Issue 04, October 1992.
  - Wallhausser, John, “Schleiermacher's Critique of Ethical Reason”, *The Journal of Religious Ethics*, vol.17, no.2, 1989.